

## Semantic analysis of "heavenly couples" in the Qur'an \*

Nasrin ansarian\*\*

### Abstract

The content of some verses indicates the existence of "couples" in heaven as one of the blessings of heaven. Considering the use of the word "couples" for "worldly secular wives", some have considered the meaning of this word and similar words to be the existence of "wives for the heavenly" and this has led to worldly implications for it. Therefore; Leading research seeks to answer the main question: "What is the semantic analysis of heavenly couples in the Qur'an?". The research approach was "interpretive", content processing, "descriptive-analytical" and its resources were library and software. The findings of the study refer to the following: "couples in heaven" does not mean "worldly secular wives" which has material implications, rather, it refers to the "companionship of heavenly beings with their peers". And the meaning of the verses that directly or indirectly express one of the material implications for "heavenly couples" is the apparent meaning of the verses, and some commentators have limited themselves to interpreting the apparent meaning of the verses in order to bring the matter closer to the audience.

**Keyword:** Heavenly couples, Worldly Wives, Heavenly Companions.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* Received: 2021-12-14

Accepted: 2022-11-06

\*\* Assistant Professor of Tafsir and Qur'an of Jami'at al-Zahra. Qom, Iran. Email: Nasrin.ansarian@yahoo.com



## تحلیل معناشناسی «ازواج بهشتیان» در قرآن\*

نسرین انصاریان\*\*

### چکیده

مضمون برخی آیات حاکی از وجود «ازواج» در بهشت به عنوان یکی از نعمت‌های بهشتی است. با توجه به استعمال واژه «ازواج» برای «همسران عرفی دنیوی»، برخی مراد از این واژه و واژه‌های هم‌مضمون آن را وجود «همسران برای بهشتیان» دانسته‌اند و این امر موجب شده که برای آن لوازم و تبعات دنیوی قائل شوند. از این رو پژوهش پیش رو به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی است: «تحلیل معناشناسی ازواج بهشتیان در قرآن چیست؟» رویکرد پژوهش «تفسیری»، پردازش مطالب «توصیفی - تحلیلی» و منابع آن کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری است. یافته‌های پژوهش به این مطالب اشاره دارند: مراد از «تزوید در بهشت»، «تزوید عرفی دنیوی» که دارای لوازم و تبعات مادی باشد، نیست؛ بلکه مراد «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» است و مقصود از آیاتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بیانگر یکی از لوازم و تبعات دنیوی برای «ازواج بهشتی» هستند، دلالت ظاهری آیات است و برخی مفسران برای نزدیک کردن مطلب به فهم مخاطبان، به تفسیر معنای ظاهری آیات اکتفا کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ازواج بهشتی؛ همسران دنیوی؛ هم‌نشینیان بهشتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

\*\* استادیار تفسیر و قرآن جامعه الزهرا (س). قم، ایران. ایمیل:

Nasrin.ansarian@yahoo.com



دستیابی به معارف و آموزه‌های قرآن برای همه انسان‌ها یکسان نیست؛ همان‌گونه که امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ: الْعِبَارَةُ، وَ الْأَشَارَةُ، وَ اللَّطَائِفُ وَ الْحَقَائِقُ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَ الْأَشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۵: ۲۷۸)؛ کتاب خداوند از چهار چیز برخوردار است: عبارت، اشارت، لطافت و حقیقت؛ عبارت و تلاوت از آن عوام مردم و اشارت برای خواص از آنان، لطایف قرآنی برای اولیای خداوندی و حقایقش برای پیامبران الهی»؛ به همین دلیل به منظور بهره بردن همه مردم از آموزه‌های قرآنی، ائمه (س) تفسیر آیات را بر اساس سطح درک و فهم مردم برای آنها ذکر می‌کردند؛ در روایتی چنین آمده است: «عن عبد الله بن سنان عن ذريح المحاربي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام ان الله أمرني في كتابه بأمر فأحب أن اعلمه قال و ما ذاك قلت قول الله تعالى ثم ليقتضوا تفههم...» قال عليه السلام «ليقتضوا تفههم» لقاء الإمام ... قال عبد الله بن سنان فأتيت أبا عبد الله عليه السلام فقلت جعلت فداك قول الله تعالى ثم ليقتضوا تفههم...» قال أخذ الشارب و قص الأظفار و ما أشبه ذلك قال قلت جعلت فداك ان ذريح المحاربي حدثني عنك بأنك قلت له ليقتضوا تفههم لقاء الإمام...» فقال صدق و صدقت ... من يحتمل ما يحتمل ذريح» (فيض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۷۶)؛ در این روایت، امام صادق (ع) عبارت قرآنی «ليقتضوا تفههم» را برای فردی عامی «کوتاه کردن مو و چیدن ناخن» و برای ذريح «ملاقات کردن امام» تفسیر می‌کند و پیرامون اختلاف دو نوع تفسیر می‌فرماید: «... چه کسی حمل می‌کند آنچه را که ذريح حمل می‌کند»؛ پس معارف قرآن به گونه‌ای است که هر اندازه قدرت فکری جوینده معارف و معانی آن بیشتر باشد، به میزان بیشتری از حقایق قرآن بهره خواهد برد.

کیفرها و پاداش‌های اخروی به دلیل نامحسوس بودن، دور از افق فکری مردم عامی هستند؛ به همین منظور تعبیرات قرآنی برای نزدیک کردن مطلب به افق فکری عامه مردم این مفاهیم نامحسوس را با تعبیری محسوس بیان کرده‌اند؛ بحث ازواج بهشتیان نیز از این دسته مباحث بوده که مراد از آن با همین هدف، در برخی روایات «لذت بردن از همسران بهشتی» ذکر شده است (ر.ک: مجلسی، بی‌تا، ج ۸: ۷۱).

بحث «ازواج بهشتی» در آیات «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (رحمان / ۷۲)؛ «حُورٌ عِينٌ» (واقعه / ۵۶، ۲۲) و «زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان / ۵۴ و طور / ۲۰)، با عنوان «حور» آمده و در بقیه آیات نیز مراد از ازواج بهشتی دو احتمال «حوریان» و «زنان دنیوی» متصور است. برای این «ازواج» صفاتی در آیات ذکر شده‌اند از جمله «الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ» (رحمان / ۵۸)؛ «خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» (رحمان / ۷۰)؛ «مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (رحمان / ۷۲)؛ «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ» (رحمان / ۵۶)؛ «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ» (صافات / ۴۸)؛ «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ» (ص / ۲)؛ «ابْكَارًا عُرْبًا أَتْرَابًا» (واقعه / ۳۶-۳۷)؛ «كَوَاعِبَ أَتْرَابًا» (نبأ / ۳۳)؛ «كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعه / ۲۳)؛ «لَمْ يَطْمِئِنَّهُنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَ لَاجَانٌ» (رحمان / ۵۶ و ۷۴)؛ «كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ» (صافات / ۴۹)؛ «ازواج مطهره» (بقره / ۲۵)؛ آل عمران / ۱۵؛

نساء/۵۷) و ... ، از آنجا که پی بردن به مراد این آیات، زمینه‌ساز بشارت و تشویقی برای بشر در راستای ورود و سلوک در مسیر تقوای الهی است، پرداختن به واقعیت «ازواج بهشتی» اهمیت دارد.

در پیشینه بحث آثار ارزشمندی یافت می‌شوند از جمله:

کتاب «بهشت، سعادت ابدی» نوشته «جابر رضوانی» که انتشارات «کتابسرای عادل» (سال ۱۳۹۲) آن را به چاپ رسانده است. یک گفتار از این کتاب با عنوان «همسران بهشتی» به ذکر صفات همسران بهشتی در آیات پرداخته، اما تحلیل خاصی در آن صورت نگرفته است.

مقاله «ویژگی‌های زنان بهشتی از منظر قرآن» نوشته «رضوان حاجی شریفی» که در آن نویسنده تلاش کرده با ذکر آیات و روایات، تصویر روشنی از زنان بهشتی ارائه دهد.

مقاله «بررسی ترقی و تکامل انسان در بهشت از منظر قرآن کریم» نوشته «رضوانه نجفی سواد رودباری» که در آن نویسنده در صدد تحلیل و استدلال تکامل انسان در بهشت بوده و در بخشی از مقاله استدلال‌هایی برای «مادی نبودن همه نعمت‌های بهشتی» بیان شده، که این مطلب پیش‌فرض مقاله پیش رو قرار گرفته است.

حاصل تتبع پیرامون پیشینه بحث در مقالات و سایت‌های علمی کشور این شد که تاکنون اثری در مورد «تحلیل معنانشناسی ازواج بهشتیان در قرآن» به چاپ نرسیده، از این رو هدف این نوشته انکار این مطلب است که مراد از «ازواج» به عنوان یک نعمت بهشتی، بهره‌وری جنسی و مادی مانند «همسران عرفی دنیوی» است و به دنبال آن اثبات این مطلب که مراد «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» است و در ادامه، به تحلیل آیاتی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دلالت ظاهری بر بهره‌وری جنسی از «ازواج» دارند پرداخته می‌شود، بنابراین این نوشته با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با پردازش مطالب به صورت توصیفی - تحلیلی در سه محور «عدم تزویج دنیوی در بهشت»، «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» و «تحلیل آیات بیانگر باکره بودن زنان بهشتی» بیان می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی «ازواج»

لغویان معنای ریشه «زوج» را «قرین بودن دو شیء با یکدیگر» می‌دانند که در حیوان به صورت مذکر و مؤنث و در غیر آنها برای هر چیزی که مماثل یا متضاد هم باشند به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۴؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۵۸)؛ برخی مفسران نیز معنای «قرین بودن» را برای واژه «زوج» پذیرفته‌اند و مراد از آن را مانند «جفت بودن دو لنگه کفش» ذکر کرده‌اند (ابوحیان، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۹؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۲۷)، برخی نیز قید «متمم بودن» را اضافه کرده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۸۷).

در تفاوت دو واژه «بعل» و «زوج» آورده‌اند که: «أن الرجل لا يكون بعلا للمرأة حتى يدخل بها» (ر. ک: عسکری، ۱۴۰۰: ۲۷۷) اما برای «زوج» قید «مدخول بها» بیان نشده است؛ بنابراین رابطه منطقی «زوج» و «بعل»، عموم و خصوص مطلق است و دایره «زوج» عام است، اما معنای اصطلاحی عرفی «زوج»، «همسر» است که ملازم با بهره‌وری جنسی است.

ریشه «زوج» و مشتقات آن ۸۱ بار در قرآن به کار رفته است: «زوج» (بقره/۲۳۰؛ نساء/۲۰؛ حج/۸؛ شعراء/۷؛ لقمان/۱۰؛ ق/۷) «زوجان» (رحمان/۵۲)؛ «زوجین» (هود/۴۰؛ مؤمنون/۲۷؛ رعد/۳؛ ذاریات/۴۹)؛ «زوجک» (بقره/۳۵؛ اعراف/۱۹؛ احزاب/۳۷)؛ «زوجه» (بقره/۱۰۲؛ انبیاء/۹۰)؛ «زوج‌ها» (نساء/۱؛ اعراف/۱۸۹؛ زمر/۶؛ مجادله/۱)؛ «ازواج» (بقره/۲۵؛ آل عمران/۱۵؛ نساء/۵۷؛ انعام/۱۴۳؛ احزاب/۳۷ و ۵۲؛ بقره/۲۳۴ و ۲۴۰؛ حجر/۸۸؛ نحل/۷۲؛ طه/۵۳ و ۱۳۱؛ روم/۲۱؛ تحریم/۵؛ ص/۵۸؛ زمر/۶؛ رعد/۳۸؛ فاطر/۱۱؛ شورا/۱۱؛ واقعه/۷؛ نبأ/۸)؛ «ازواجک» ۲ مورد (احزاب/۵۰؛ تحریم/۱)؛ ازواجکم» (نساء/۱۲؛ توبه/۲۴؛ نحل/۷۲؛ شعراء/۱۶۶؛ احزاب/۴؛ زخرف/۷۰؛ ممتحنه/۱۱؛ تغابن/۱۴)؛ «ازواجنا» (انعام/۱۳۹؛ فرقان/۷۴) و «ازواجه» (احزاب/۶ و ۵۳؛ تحریم/۳)؛ حاصل بررسی واژه «زوج» و «مشتقات آن» در قرآن این شد که متصفان زوج بودن در قرآن را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که شامل موارد زیر است:

۱-۱- زوج بودن همه کائنات (یس/۳۶؛ ذاریات/۴۹)؛ مراد از آن «قرین بودن با ویژگی‌های مادی» است، از این ویژگی‌ها می‌توان به مصور بودن و محصور بودن در قیود زمان و مکان اشاره کرد.

۲-۱- زوج بودن نباتات (طه/۵۳؛ یس/۳۶؛ رعد/۳؛ رحمان/۵۲؛ ق/۷؛ شعراء/۷؛ حج/۵؛ لقمان/۱۰)؛ مراد از آن با توجه به این که نباتات مصداقی از کائنات هستند نیز همان «قرین بودن با ویژگی‌های مادی» است، که علاوه بر ویژگی‌های گفته‌شده در مورد کائنات، می‌توان به موارد خاصی مانند مذکر و مؤنث بودن، ترش و شیرین و ... نیز اشاره کرد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۲۰۳؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۶: ۱۷۹)، زیرا همه اینها مصادیقی از ویژگی‌های مادی هستند.

۳-۱- زوج بودن حیوانات (هود/۴۰؛ مؤمنون/۲۷؛ انعام/۱۴۳؛ شوری/۱۱)؛ مراد از آن با توجه به اینکه حیوانات مصداقی از نباتات هستند همان ویژگی‌های نباتات است، البته به دلیل قدرت حرکت و جفت‌گیری بدون واسطه از طرف حیوانات، امکان معنای مذکر و مؤنث برای زوج بودن حیوانات، نسبت به گیاهان که قدرت حرکت و لقاح بدون واسطه را ندارند، بیشتر است.

۴-۱- زوج بودن انسان‌ها که در برخی آیات، مراد «زوج بودن انسان در دنیا» است (بقره/۳۵؛ اعراف/۱۹؛ طه/۱۱۷؛ مجادله/۱؛ احزاب/۳۷؛ احزاب/۵۹؛ نساء/۲۰) که با توجه به اینکه انسان‌ها نیز مصداقی از حیوانات هستند، مراد همان «ویژگی‌های زوج بودن حیوانات» است که ملازم با بهره‌وری جنسی است و در برخی آیات مراد «زوج بودن انسان در آخرت» است که گاهی مراد از آن «امثال» است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۱۰۶) مانند آیه «احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ اَزْوَاجَهُمْ وَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ» (صافات/۲۲) یعنی هر ظالمی با مانند و هم‌شکل خود در قیامت محشور می‌شود، گاهی مراد از آن «همراهی» است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۰۵) مانند آیه «وَ اِذَا النُّفُوسُ رُوِّجَتْ» (تکویر/۷) یعنی هر شخصی قرین و همراه با اعمالش است، گاهی مراد از آن «گروه» است مانند آیه «وَ كُنْتُمْ اَزْوَاجاً ثَلَاثَةً» (واقعه: ۷) یعنی در قیامت انسان‌ها سه گروه هستند و گاهی به ظاهر دلالت بر «همسر

داشتن انسان در بهشت» دارند، مانند «... أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ...» (بقره: ۲۵؛ آل عمران: ۱۵؛ نساء: ۵۶)؛ «هُمُ وَ أَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ» (یس: ۵۶) و «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (زخرف: ۷۰)؛ دسته اخیر از آیات محل بحث این نوشته است.

## ۲. عدم «تزوید عرفی دنیوی» در بهشت

اولین محور بحث در این نوشته، انکار این نکته است که مراد از «ازواج» به عنوان یک نعمت بهشتی، بهره‌وری جنسی و مادی است؛ تبیین مطلب اینکه در برخی آیات مانند «وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِینٍ» (دخان/۵۴؛ طور/۲۰) سخن از تزوید با حوریان بهشتی است، اما مراد از آن «تزوید عرفی دنیوی» نیست، همان‌گونه که بسیاری از اندیشه‌وران اسلامی به این مطلب اشاره کرده و معنای دیگری برای «تزوید» در آیه ذکر کرده‌اند، که از آن جمله، موارد زیر است:

۱-۲- مراد از «تزوید» در بهشت، مفهوم لغوی آن یعنی «قرین» و «همراه بودن» است؛ با این تبیین که فعل «زَوْجْنَا» در آیه «وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِینٍ» (دخان/۵۴؛ طور/۲۰) همراه «باء تعدیه» آمده است؛ در حالی که «تزوید» به معنای عرفی دنیوی، متعدی است و به «باء تعدیه» نیازی ندارد؛ شاهد درستی سخن، عبارت قرآنی «زَوْجِنَاكُمَا» (احزاب/۳۷) است که مراد از آن «تزوید عرفی دنیوی» است و در آن فعل «زَوْجْنَا» بدون حرف جر، متعدی به دو مفعول شده است؛ برخی لغویان (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۰۵)، برخی مفسران ادبی (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۱۰۴؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۹۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۶۱)، برخی مفسران فقهی (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷/۶۵) و برخی مفسران روایی (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۱۳۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۱۰) به این مطلب اشاره کرده‌اند.

۲-۲- مراد از «تزوید» در بهشت، «استعاره» و «تمثیل» است، با این تبیین که طعام و نکاح و سایر احوالات در بهشت، با نظایر دنیوی آن، در تمام حقیقت مشترک نیستند تا مستلزم همه لوازم و فواید آن باشند، بلکه در برخی صفات و اعتبارات اشتراک دارند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۰۶)؛ مؤید مطلب روایتی است که می‌فرماید: «لیس فی الدنیا مما فی الجنة شی الا الأسماء» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۳۵)؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۸) که همه امورات دنیوی و مادی را در آخرت رد می‌کند، که یکی از آن امورات «تزوید» است. در صورت پذیرش هر یک از آن دو، مراد از «تزوید در بهشت»، «تزوید عرفی دنیوی» که ملازم با رابطه جنسی است، نیست.

## ۳. هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود

دومین محور بحث در این نوشته، اثبات این مطلب است که مراد از «ازواج بهشتی»، «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» است که در این صورت مراد از «ازواج»، معنای اصطلاحی عرفی دنیوی آن، که ملازم بهره‌وری



جنسی است نیست، بلکه مراد معنای لغوی آن یعنی «قرین و هم‌نشین» است. بیان مطلب این است که بنابر آیه «أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم/۲۱)، «ازواج» اسباب آرامش، مودت و رحمت برای انسان هستند؛ اگر مراد «ازواج» در دنیا باشد، شامل همسران عرفی دنیوی می‌شود و آرامش و لذت دنیوی از زنان که «أشهی اللذائذ» دانسته شده (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳۰) به لذت جسمانی برمی‌گردد، و اگر مراد «ازواج» در آخرت باشد، آرامش و لذت اخروی به دور از ویژگی‌های مادی و متناسب با آن عالم است و به لذت روحانی برمی‌گردد.

با دقت در آیات پیرامون این «لذت روحانی با ازواج» دلایل ظریفی به دست می‌آید که حاکی از این نکته است که مراد «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» است، که شامل دلایل «نقضی» و «حلی» زیر است:

۳-۱- دلایل نقضی که رابطه جنسی با ازواج در بهشت را رد می‌کند دو مورد است:

۳-۱-۱- دلیل نقضی اول اینکه رابطه زناشویی در دنیا همراه با لوازم مادی است، و یکی از آن لوازم جنابت است که در دنیا مانع از ورود به مسجد است و این امر در بهشت قابل تصور نیست. یکی دیگر از لوازم آن بقای نسل است که این هم در بهشت قابل تصور نیست، زیرا بهشت قائم به شخص و ابدی است، بر خلاف دنیا که قائم به نوع و در معرض زوال فردی و نوعی است.

۳-۱-۲- دلیل نقضی دوم این که «عمل زناشویی» در قرآن با ۱۲ واژه ذکر شده که همه غیر مستقیم به این امر اشاره دارند و شامل موارد زیر است: «مَسَّ» (بقره/۲۳۶ و ۲۳۷؛ آل عمران/۴۷؛ مریم/۲۰؛ احزاب/۴۹؛ مجادله/۴)؛ «لمس» (نساء/۴۳؛ مائده/۶)؛ «اتیان» (بقره/۲۲۲ و ۲۲۳)؛ «مباشرت» (بقره/۱۸۷)؛ «دخول» (نساء/۲۳)؛ «رَفَث» (بقره/۱۸۷ و ۱۹۷)؛ طمث (رحمان/۵۶ و ۷۴)؛ نکاح (بقره/۲۳۰؛ نساء: ۲۲)؛ غشیان (اعراف/۱۸۹)؛ افشاء (نساء/۲۱)؛ قرب (بقره/۲۲۲)؛ اعتزال (بقره/۲۲۲)؛ تا جایی که گفته شده: محال است در زبان عرب واژه‌ای در اصل به معنای «عمل زناشویی» باشد، زیرا مردم گفت‌وگو در مورد آن را زشت می‌دانند. از این رو هیچ لفظی در برابر این عمل وضع نشده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۳)، اما در هیچ یک از آیات مربوط به آخرت با این الفاظ ذکر نشده، دلیل آن این است که در دنیا قضاء شهوت، به دلیل اضعاف بدن و مانع بودن برای عبادت، قبیح است. از این رو خداوند آن را با الفاظ مستور و با کنایه بیان کرده است، اما در آخرت، این امر انگیزه روحانی و لذت حقیقی دارد، و به همین دلیل به صورت مستور و کنایه بیان نشده، بلکه با لفظ صریح آورده شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۳۷۶؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۶: ۲۳۴).

با توجه به دو دلیل نقضی ذکر شده، «لذت بردن از ازواج بهشتی» ملازم با «برقراری رابطه جنسی» نیست.

۳-۲- در آیات پیرامون «لذت روحانی با ازواج»، «دلیل حلی» مبنی بر این که مراد از «ازواج»، «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود» است نیز وجود دارد و آن این که واژه «نساء» در قرآن به صورت نکره در ۹ آیه (آل عمران/۴۲؛ نساء/۱ و ۱۱ و ۱۷۶؛ احزاب/۳۰ و ۳۲ و ۵۹؛ فتح/۲۵؛ حجرات/۱۱) و با «ال» در بیست و

پنج آیه (بقره/۲۲۲ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۵ و ۲۳۶؛ آل عمران/۱۴، نساء/۳ و ۴ و ۱۹ و ۲۲ و ۲۴ و ۳۴ و ۴۳ و ۷۵ و ۹۸ و ۱۲۷ و ۱۲۹؛ مائده/۶؛ اعراف/۸۱؛ نور/۳۱؛ نور/۶۰؛ نمل/۵۵؛ احزاب/۳۲ و ۵۲؛ طلاق/۱) ذکر شده که همه در امورات دنیوی است اما در آخرت اسم جنس «نساء» بیان نشده و برای «ازواج بهشتی»، تنها اوصاف آنان ذکر شده است، مانند «حُورٌ عِینٌ» (واقعه/۲۲)؛ «عُرْبًا اُتْرَابًا» (الرحمن/۵۶)؛ «قاصراتُ الطَّرْفِ» و ...؛ بنابراین؛ مراد از «ازواج» در بهشت تنها همسران نیست، بلکه شامل همه کسانی می‌شود که صفات گفته‌شده را دارند و انسان از هم‌نشینی با آنان لذت می‌برد، همان‌گونه که برخی آیات هم‌نشینی را افراد دیگری علاوه بر همسران ذکر می‌کنند، مانند آیه «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ... أَوْلَئِكَ لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَ مَنْ صَلَّحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ» (رعد/۲۰-۲۴) کسانی که همواره به عهد خدا وفا می‌کنند و ... عاقبت خوش سرای دیگر برای آنان است. بهشت‌های جاویدانی که وارد آن می‌شوند و نیز پدران و همسران و فرزندان شایسته آنان و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌شوند؛ شاهد مثال در این آیات عبارت «يَدْخُلُونَهَا وَ مَنْ صَلَّحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ الْمَلَائِكَةُ» است که بیانگر این مطلب است که نیکوکاران در بهشت تنها قرین همسران‌شان نیستند، حتی برخی آورده‌اند که متقیان در بهشت هم با برادران‌شان و هم با زنان‌شان هم‌نشین هستند (بروسوی بی‌تا، ج ۸: ۴۳۰) و اگر اکثر مفسران «ازواج بهشتی» را تنها «همسران» معنا کرده‌اند به این علت است که هم‌نشینی انسان در آغاز پیدایش، با «همسر» بود و مهم‌ترین خوشی‌های انسان در مؤانست با زن دانسته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۱۶۵).

دلیل برخورداری از این «هم‌نشینی» این است که نعمت‌های بهشتی ممثل اعمال و عقائد بهشتیان هستند، همان‌گونه که از ثمره اعمال به صورت ثمره و میوه بهشتی بهره‌مند می‌شوند، عقاید، معارف و حقایق وارده بر قلوب‌شان در بهشت هم‌نشین آنها خواهد بود و از این امر به «ازواج» نام برده شده است؛ شاهد سخن اینکه آیه «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا» (واقعه: ۳۶-۳۵) که یکی از آیاتی است که به وجود «ازواج بهشتی» اشاره دارد، با واژه «انشاء» آمده و آن‌طور که گفته شده، مراد از «انشاء»، پدید آوردن چیزی است که پیش از آن نوعی برای آن وجود داشته، مانند انشاء شعر، خطابه و ... که پیش از آن صورتی در ذهن داشته، به همین دلیل به عالم آخرت «خلق» و «ایجاد» گفته نشده بلکه «نشأة» گفته شده زیرا حقایق و نعمت‌های بهشتی، پیش از انشاء، منشأ و صورتی داشته‌اند که پرداخته اعمال و اراده اشخاص بوده‌اند و خداوند، آن صورت‌ها را انشا می‌کند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۵۸) بنابراین «ازواج بهشتی» همان عقاید و معارف حقه انسان هستند که خداوند آنها را به صورت «هم‌نشین بهشتیان» انشاء کرده است.

کیفیت این هم‌نشینی بر ما روشن نیست، چنان که در روایتی آمده است: «فیهَا مِنَ الْمَلَکَاتِ الْإِنْسَانِیَّةِ وَ الْمَلَکِیَّةِ مَا لَا عِینَ رَأَتْ، وَ لَا اذْنَ سَمِعَتْ، وَ لَا خَطَرَ بِبَالٍ أَحَدٍ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۸: ۹۲)؛ آنچه مسلم است این است که لذت این مصاحبت و هم‌نشینی در حد اعلی است و گواه سخن اینکه عبارت قرآنی «ازواج مطهره» که یکی از



آیاتی است که به این امر اشاره دارد، در سه آیه آمده است (بقره/۲۵؛ آل عمران/۱۵؛ نساء/۵۷) و در هر سه آیه جزو آخرین نعمت‌های بهشتی ذکر شده است، از این رو برخی مفسران نعمت «ازواج» را «تمام‌کننده نعمت‌های بهشت» دانسته‌اند (مهائی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۵۳؛ مراغی، بی‌تا، ج ۵: ۶۹؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۶؛ نهایندی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۹۱).

نکته قابل توجه، دلالت ظاهری برخی آیات بر لذت جسمانی از زنان بهشتی است، از جمله آیه «کواعب اترابا» (نبأ/۳۳) که برخی مفسران مراد از «کواعب» را «سینه برجسته» (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۳۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۴۷) و مراد از «اترابا» را «هم‌سن و سال» (تستری، ۱۴۲۳: ۱۸۵؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۱۲) دانسته‌اند، که در این صورت، مراد آیه بهره‌مندی از زنان بهشتی با این صفات جسمانی پسندیده است.

تحقیق پیرامون معنای لغوی این دو واژه و تحلیل آرای برخی مفسران بیانگر مطلبی خلاف مطلب بالا است، تبیین مطلب اینکه ریشه واژه «کواعب»، «کعب» به معنای «ارتفاع در شیء» است (ابن فارس، ۱۴۱۹، ج ۵: ۱۸۶)، به همین دلیل به دختری که سینه‌هایش تازه رشد کرده و حجم‌دار شده «کعب» و «کاعب» گفته می‌شود و «کواعب» جمع آنها است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۳۶۵)، بر اساس این پیش‌فرض که «در آخرت امور مادی وجود ندارد»، مراد از «کواعب» جمال و ارتفاع مقام است.

ریشه واژه «اترابا» نیز «ترب» است که لغویان آن را به معنای «هم‌سن» و «تساوی دو شیء» می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۴۶) و آورده‌اند که مراد از «اتراب» دو نوزادی است که در یک زمان متولد شده و با هم بزرگ شده‌اند و از این جهت که در کودکی با هم خاک‌بازی می‌کردند، به آنها «اتراب» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۵)، اما برخی دیگر «اتراب» را «امثال» معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۱۷)، برخی نیز با اشاره به آیه مذکور، در رد قول به معنای «هم‌سن» برای «اتراب»، آورده‌اند که در آخرت ولادتی نیست؛ از این رو نمی‌توان مراد از «اتراب» را «هم‌سن» گرفت (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۹: ۴۸۰). برخی نیز آورده‌اند که حوریان بهشتی با همدیگر هم‌سال و هم‌قد نیستند، بلکه مراد تناسب آنها با شوهران‌شان است (به نقل از طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۴۶). برخی نیز این تناسب را از جهت رتبه و مقام دانسته‌اند (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۴۰۲)، بنابراین مراد از «کواعب» و «اترابا»، هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه و مقام خود است.

تبیین مطلب اینکه انسان به طور فطری شیفته جمال مطلق است و برای دستیابی به آن تلاش می‌کند و تقوا تنها عامل بازدارنده نفس از جاذبه‌های مختلف دنیوی است که می‌تواند سلامت نفس را نگه دارد و نفس را از جهت شعور و تعقل رشد دهد تا به نقطه جمال و کمال حقیقی برسد. به هر اندازه که فرد در دنیا در سایه تقوا به این جمال و کمال نفسانی دست پیدا کند، در آخرت آن جمال و کمال نفسانی به صورت «کواعب اترابی» که هم‌سرشت او هستند همراه و هم‌نشین او خواهد بود.

نکته قابل توجه آیاتی است که دلالت بر «باکره» بودن همیشگی «همسران بهشتی» دارند که در ادامه مطلب به آنها پرداخته می‌شود.

#### ۴- «تحلیل آیات بیانگر «باکره بودن همسران بهشتی»

آیات پیرامون ازواج بهشتی را که دلالت ظاهری بر «باکره بودن» همسران بهشتی دارند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۴-۱- دسته اول آیاتی هستند که به طور غیر مستقیم بر باکره بودن همسران بهشتی دلالت دارند. معروف‌ترین این آیات عبارت قرآنی «ازواج مطهره» (بقره/۲۵؛ آل عمران/۱۵؛ نساء/۵۷) است. صفتی که در ظاهر و به طور غیر مستقیم بر باکره بودن زنان بهشتی دلالت دارد «مطهره» است.

واژه «مطهره» اسم مفعول باب تفعیل از ریشه «طهر»، به معنای «ضد آلودگی» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۷۶۱) است. برخی نیز معنای ریشه آن را خلاف «طمت» و مراد از «مطهره» را «طهارت ظاهری و باطنی» دانسته‌اند و با اشاره به آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعۀ ۷۹/علاوه بر اشاره به تطهیر ظاهری، به تطهیر نفسانی نیز اشاره کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۵)؛ از نظر مفسران نیز، واژه «تطهیر» همان‌طور که برای پاکی اجسام از آلودگی استعمال می‌شود، برای پاکی در افعال و اخلاق و اعتقاد نیز استعمال می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۱۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۱). با توجه به مطالب گفته‌شده مبنی بر اینکه مراد از «ازواج» در بهشت «هم‌نشینان بهشتی» است، مراد از «مطهره» بودن آنان، طهارت جسمانی و مادی نبوده بلکه طهارت معنوی است و استعمال آن برای «ازواج» دربرگیرنده نکات لطیفی در این هم‌نشینی است. این نکات شامل موارد زیر هستند:

۴-۱-۱. وجود «انس و الفت در این هم‌نشینی» نکته‌ای است که با یک دقت ادبی به دست می‌آید و آن اینکه با توجه به جمع بودن واژه «ازواج»، جا داشت که صفت آن به صیغه جمع یعنی «مطهرات» بیاید، مانند «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ» (بقره/۲۳۳)، «وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ» (بقره/۲۲۸)، البته بنابر نظر لغویان (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۰)؛ مفسران ادبی (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۶۱) و اندیشه‌وران علوم قرآنی (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۶۴)، هر دو لغت فصیح هستند زیرا عرب هم «النساء فعلت» می‌گوید و هم «النساء فعلن»، اما علت عدول از «جمع تأنیث» به «مفرد تأنیث» این است که در نزد عرب، جمع و «تأنیث» بودن کلمه ثقیل بوده و «مألوف و مأنوس» عرب نیست، لذا هنگامی که هر دو با هم بیایند جمع را به صورت مفرد می‌آورند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۵۲) این نکته ظریف در «مألوف و مأنوس بودن» «ازواج مطهره» با هم بروز بیشتری دارد، هر چند که یک قرائت شاذ آیه «مطهرات» است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۱۰) اما در این صورت این نکته ظریف را ندارد.

۴-۱-۲- «مشکک بودن این طهارت» نکته‌ای است که با دقت در باب تفعیل صفت «مطهره» به دست می‌آید، تبیین مطلب اینکه یکی از معانی باب «تفعیل»، «تدریج» است. پس مراد از بیان صفت «مطهره»، پاک

شدن تدریجی آنان است، با توجه به این که «طهارت ازواج» نتیجه تقوای بهشتیان است و تقوا امری مشکک است، مطهره بودن «ازواج بهشتی» نیز مشکک و بر اساس طهارت نفوس آنان در مرتبه است. در این رابطه آورده اند که «ادراک حقایق و جمال‌های حسی و خیالی از آمیختگی و ناپایداری به تدریج پاک شده و به صورت عقلی تجلی می‌کند و در آغوش جان جای می‌گیرد» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۸).

پس مراد از «مطهره بودن ازواج»، باکره بودن دائمی همسران بهشتی نیست بلکه مراد «انس و الفتی خاص در این هم‌نشینی بر اساس درجه خلوص بهشتیان» است.

۲-۴- دسته دوم آیاتی هستند که به طور مستقیم بر «باکره بودن همسران بهشتی» دلالت دارند. برخی از این آیات به صورت ایجابی و برخی به صورت سلبی به این مطلب اشاره دارند.

۲-۴-۱- یکی از آیاتی که به نحوی ایجابی بر «بکارت همسران بهشتی» دلالت می‌کند آیه «فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا» است. واژه کلیدی در آیه «ابکارا» است که ریشه آن «بکر» یعنی «اول هر امری» است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸۹)، به همین دلیل به «بامداد» که «اول صبح» است «بُكْرَةَ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۰) و به دختری که هنوز ازدواج نکرده «باکره» گفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۲۹).

در آیه «فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا»، اکثر مفسران مراد از «ابکارا» را «باکره بودن» دانسته‌اند (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۱۳: ۵۳۲؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۷: ۱۰۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۹۳؛ ابن ابی زینبی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۳۸۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۴۹۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۳۰)، اما دو احتمال در این رابطه در آیه متصور است: اگر مراد از آن «حوریان بهشتی» باشد، با توجه به دنیوی نبودن آنها، نیازی به ذکر «ابکارا» نبود مگر اینکه مراد از «ابکار» غیر از «ابکار» در دنیا باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ق: ۲۹/۴۰۷)، و اگر مراد «همسران دنیوی» باشد، با توجه به عدم ویژگی‌های مادی در آخرت، مراد از آن «باکره بودن جسمانی» نیست بلکه پاک بودن و متأثر نشدن از امورات طبیعی و حظوظات نفسانی است (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۱۳).

آیه «كَانَهُنَّ بَيِّضٌ مُكْنُونٌ» نیز به باکره بودن زنان بهشتی به صورت ایجابی و به نحو تشبیه اشاره می‌کند. واژه کلیدی در آیه «مکنون» است. این واژه اسم مفعول از ریشه «کنن» به معنای «حفاظت کردن» و «پوشاندن» است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۱۶۶)؛ در این آیه مشبیه به «بَيِّضٌ مُكْنُونٌ»، همسران بهشتی را از سفیدی و لطافت به تخم شترمرغ تشبیه کرده است زیرا شترمرغ تخم خود را زیر پر خود می‌پوشاند که محفوظ بماند (مجلسی، بی‌تا، ج ۸: ۹۶)، مفسران نیز مراد از «مکنون» را «مصون» می‌دانند (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱: ۴۲۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۷۱) و برخی ضمن بیان مطلب اخیر اضافه کرده‌اند که «کننت الشيء»، یعنی مصون می‌ماند تا آفت به آنها نرسد هر چند که مستور نباشد (ابن عادل، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۰۱).

۲-۲-۴- آیه‌ای که به بکارت همسران بهشتی به نحو سلبی اشاره می‌کند آیه «لَمْ يَطْمِئِنُّنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (رحمان/۵۶ و ۷۴) است. در این آیه، فعل «لَمْ يَطْمِئِنُّنَّ» واژه کلیدی است که ریشه آن «طمث» به معنای

آلودگی (دنس) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۲۳) و «فساد» (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۹: ۱۴۵) است. «خون حیض» را نیز به دلیل فسادش «طمث» نامیده‌اند و از آنجایی که «بکارت» عنوانی برای عفت زن است، زائل شدن «بکارت» را نیز «طمث» می‌نامند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴).

تتبع در آرای مفسران گویای مطالب زیر است:

برخی مراد از «طمث» در آیه را «مجامعت» دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴: ۲۰۵؛ فراء، ۱۹۸۰، ج ۳: ۱۱۹؛ یزیدی، ۱۴۰۵: ۳۶۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۱۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸: ۲۷۵). چند روایت نیز در این رابطه ذکر شده‌اند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۵۸۵؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۱۳).

اما برخی با عنایت به عدم ازدواج اصطلاحی در آخرت، این پاداش را «نعمتی روحانی» دانسته‌اند و با عبارات زیر به این نکته اشاره کرده‌اند:

- مراد عدم مسّ اعتقاد و عمل مخالف با قرآن است (مهائمی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۳۱۵).
  - مراد عدم مسّ آلودگی‌های مادی و عدم غلبه جمود فکری است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۸۵).
  - مراد عدم مسّ نفوس تیره بشریه و قوای وهمیه است (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۰۷).
  - مراد عدم ملابسه با اغیار است (قمی مشهدی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۸۴).
- بنابر این در آیه «لَمْ يَطْمِثْنِ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لَا جَانٌّ» (رحمان: ۵۶ و ۷۴) نتیجه و پاداش عدم مؤانست بهشتیان به اعتقاد، اخلاق و اعمال باطل به صورت مؤانست و هم‌نشینی با آنان بیان شده است.
- دلیل این که برخی مفسران آیاتی را که دلالت بر باکره بودن «ازواج بهشتی» دارند به معنای ظاهری آنها تفسیر کرده‌اند توجه به قوه ادراک مخاطبان و نزدیک کردن فهم مطلب به ذهن آنها بوده است، همان‌طور که روایتی از امام صادق (ع) می‌فرماید: «كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى اَرْبَعَةِ اشْيَاءٍ عَلَى الْعِبَارَةِ وَ الْاِشَارَةِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَ الْاِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفُ لِلْاَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْاَنْبِيَاءِ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۵: ۲۷۸) بر اساس این روایت، فهم هر مرتبه‌ای از قرآن رابطه‌ای مستقیم با مراتب درک و فهم شخص دارد و قصد مفسرانی که این آیات را بنا بر دلالت ظاهری «باکره بودن ازواج بهشتی» تفسیر کرده‌اند، رساندن پیام آیه به اندازه فهم عامه بشر بوده است.

## جمع‌بندی و نتایج

مضمون برخی آیات در مورد نعمت‌های بهشتی، دلالت بر وجود «ازواج بهشتی» دارد. برخی مفسران مراد از «ازواج» را «همسران بهشتی» دانسته‌اند و به همین مناسبت قائل به «تزوید» در بهشت و وجود لوازم و تبعاتی مانند «تزوید عرفی دنیوی» برای آن هستند که قابل پذیرش نیست.

مراد از «ازواج بهشتی» به دلایل تقضی «عدم لوازم و تبعات مادی» و «تکیه بر آیات الهی» و دلیل حلّی «اکتفا به ذکر صفات ازواج»، «هم‌نشینی بهشتیان با هم‌رتبه‌های خود در بهشت» است. برخی آیات پیرامون «ازواج بهشتی» که به طور غیر مستقیم یا مستقیم دلالت ظاهری بر باکره بودن آنان دارند، برای نزدیک کردن مطلب به فهم مخاطبان است. مراد از «باکره بودن ازواج بهشتی» در آیات به قرار زیر است: مراد از صفت «مطهره» در عبارت قرآنی «ازواج مطهره»، پاک بودن از عقاید باطل است و «مطهره» بیانگر «انس و الفت» در این هم‌نشینی و «مشکک بودن» این تطهیر با توجه به درجه تقوای فرد است. مراد از «جَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا» پاک بودن و متأثر نشدن از امورات طبیعی و حظوظات نفسانی است. مراد از «لَمْ يَطْمِئَنَّنَّ إِئْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (رحمان/۵۶ و ۷۴) عدم مسّ آلودگی‌های مادی و عقاید باطل است.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

### قرآن کریم

- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، جلد ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، جلد ۱ و ۲، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱)، المحکم و المحيط الأعظم، جلد ۹، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، جلد ۱ و ۳ و ۵، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ابن ابی‌زمین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴)، تفسیر ابن ابی‌زمین، جلد ۲، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابن عادل، عمر بن علی، (۱۴۱۹)، اللباب فی علوم الکتاب، ج ۴، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، ج ۱ و ۲۷، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
- ابن عجبیه، احمد، (۱۴۱۹)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، جلد ۵، قاهره، حسن عباس زکی، چاپ اول.
- ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲)، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)، جلد ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، جلد ۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۸، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۰۷)، تفسیر النهر الماد من البحر المحيط، جلد ۱، بیروت، دار الجنان، چاپ اول.

- ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، ۱۵ جلد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، جلد ۱ و ۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- تستری، سهل بن عبدالله، (۱۴۲۳)، تفسیر التستری، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر روح البیان، جلد ۸، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیة، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، جلد ۱، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، (۱۳۷۲)، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، جلد ۱۳، تهران، سر الاسرار، چاپ اول.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶)، تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، جلد ۳، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱)، الإیتقان فی علوم القرآن، جلد ۱، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ دوم.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۱)، تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، جلد ۵، قم، بیدار، چاپ دوم.
- طالقانی، محمود، (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، جلد ۱ و ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، جلد ۱، اردن، دار الکتب الثقافی، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۲ و ۹ و ۱۰، چاپ سوم: تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، جلد ۲۷ و ۳۰، چاپ اول، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، جلد ۲ و ۳، چاپ سوم: تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱ و ۹ و ۱۰، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- عاملی، ابراهیم، (۱۳۶۰)، تفسیر عاملی، جلد ۲، تهران، کتابفروشی صدوق، چاپ اول.
- عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الافاق الجدیة، چاپ اول.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، جلد ۶ و ۷ و ۲۹، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰)، معانی القرآن (فراء)، جلد ۳، قاهره، الهیئة المصریة العامة للکتاب، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، جلد ۴، تهران، مکتبة الصدر، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، جلد ۱، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، جلد ۱۷، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، جلد ۱ و ۱۲، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.



- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، جلد ۸ و ۷۵، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، تفسیر المراغی، جلد ۵، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، جلد ۴، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۰۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (سبزواری)، جلد ۱ و ۵، بی جا، دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری، چاپ دوم.
- مهائمی، علی بن احمد، (۱۴۰۳)، تفسیر القرآن المسمى تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، جلد ۱ و ۲، بیروت، عالم الکتب، چاپ دوم.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد، (۱۴۱۶)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، جلد ۶، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- نهادندی، محمد، (۱۳۸۶)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، جلد ۱، قم، مرکز الطباعة و النشر، چاپ اول.
- یزیدی، عبدالله بن یحیی، (۱۴۰۵)، غریب القرآن و تفسیره، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول.

## Bibliography

### Quran

- Alosi, mahmod ibn Abdollah (1415AH) Rohol maani fi tafsire alquran al azim, Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiah, manshorate mohammad ali beizoon, first edition.
- Ibn Duraid , Mohammad ibn Hassan (1988 AD), Jamharat al-Lugha , Vol.1 & 2, 1<sup>st</sup> edition. Beirut , Dar El Ilm Lilmalayin.
- Ibn Seyyedeh, Ali ibn Ismaeil (2000 AD), Al Mohkam Wa Al-Mohit al-azam. Vol.9, 1<sup>st</sup> edition, Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiah.
- Ibn Fares, Ahmad Ibn Fares (1983 AD), Maqayis la-Lughah. Vol. 1,3,5. 1<sup>st</sup> edition. Qom: Maktab Al-Alam al-Islam.
- Ibn Abi Zemnin, mohammad ibn Abdollah (2003 AD) Tafsir Ibn abi Zamanin. Vol. 2, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiah. Manshorat Muhammad 'Ali Beizon.
- Ibn Adil, Omar ibn Ali (1998AD). al-Lubab fi 'Ulum al-Kitab. Vol.4, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiah. Manshorat Muhammad 'Ali Beizon.
- Abin Ashur, Mohammad Tahir (1999AD). Al-Tahrir wa-al-Tanwir-Tafsir. Vol. 1, 27, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Al-Tarikh Al - Arabi institution.
- Ibn Ajiba, Ahmad (1998 AD). Al-Bahr al-Madeed fi Tafsir al-Qur'an al-Majeed. Vol. 5, 1<sup>st</sup> edition. Cairo: Hassan Abbas Zaki.
- Ibn Arabi, Mohammad ibn Ali, (2001 AD), Tafsir Ibn Arabi (Tavilat Abdul Razzaq). Vol. 2, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Abolfotoh Razi, Hossein ibn Ali (1987AD). Rawd al-jinan wa rawh al-janan fi tafsir al-Qur'an. Vol. 18, 1<sup>st</sup> edition. Astan Qods Razavi: islamic research center.
- Abu Hayyan, Mohammad ibn Yusuf (1986 AD). Tafsir al-Nahr al-mädd min al-Baħr al-Muħīṭ. Vol. 1, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al Jinan.
- Alusi, Mahmud ibn Abdollah. (1994 AD). Rūh al-Ma'ānī fi Tafsīri-l-Qur'āni-l-'Aẓīm wa Sab'u-l-Mathānī. Vol.1, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al -Kotob al-ilmiah. Manshorat Muhammad 'Ali Beizon.
- Beizavi, Abdollah ibn Omar (1997AD). Anwar al-tanzil wa-asrar al-ta'wil. Vol. 1, 5, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tustari, Sahl ibn Abdollah (2002 AD). Tafsir al Tustari. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiah. Manshorat Muhammad' Ali Beizon.

- Haqi Bursevi, Ismaeil ibn Mostafa. Tafsir rooh al Bayan. Vol. 8, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al Fakr.
- Seiuti, Abdorahman ibn Abibakr (1983 AD). Al-Durr Al-Manthur Fi Tafsir Bil-Ma'thur. Vol. 1, 1<sup>st</sup> edition. Qom: Marashi public library.
- Ragheb Isfahani, Hussein ibn Mohammad (1991 AD). Mufradat Alfadh al-Qur'an. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Al Shamiya.
- Al-Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar (1986 AD). al-Kashaf An Haqa'iq al-Tanzil Wa Uyun Al-Aqawil Fi Wajuh Al-Ta'wil. Vol 3, 1<sup>rd</sup> edition. Beirut: Dar al Kotob al Arabi.
- Soltan Ali Shah, Soltan Mohammad ibn Heidar (1993 AD). Persian translation of commentary of tafsir bayan al-sa'ada fi maqamat al'-ibada. Vol 1,13<sup>st</sup> edition. Tehran: Ser al Asrar.
- Samarghandi, Nas in mohammad (1995 AD). Tafsir Samarghandi al-Mosama Bahr al-Oloum. Vol. 3, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al Fakr.
- Seiuti, Abdorahman in Abibakr (2000 AD). Itqan fi Ulum al-Qur'an. Vol.1, 2<sup>nd</sup> edition. Beirut: Dar al Kitab al Arabi.
- Sadroddin Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim (1982 AD). Tafsir Quran al Karim. Vol. 5, 2<sup>nd</sup> edition. Qom:Bidar.
- Taleghani, Mahmoud (1983 AD). Partovi az Quran. Vol. 1,3 ,4<sup>th</sup> edition. Tehran: Enteshar center.
- Tabarani, Soleiman in Ahmad (2008 AD). Al Tafsir Al kabir: Tafsir al Quran al Azim. Vol .1 , 1<sup>st</sup> edition. Jordan: Dar Al kitab Al theghafi.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan (1993 AD). Majma 'al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an. Vol. 2,9,10, 3<sup>rd</sup> edition. Tehran: Naser Khosrow.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir (1991 AD). Jame-ul-bayan Fee Tafseer-ul-quran. Vol. 27,30 , 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al marafa.
- Tarihi, Fakhroddin obn Mohammad (1996 AD), Majma-ul-Bahrain. Vol. 23, 3<sup>rd</sup> edition. Tehran: Mortazavi.
- Tusi, mohammad ibn Hassan. Al-Tebayan Fi Tafsir al-Quran. Vol. 1, 9, 10. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ameli, Ibrahim (1981 AD). Tafsir Ameli. Vol.2, 1<sup>st</sup> edition. Tehran: Sadooq book shop.
- Asgari, Hassan ibn Abdollah (1979 AD). Al Forogh fi Al Lughah. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Al Afaq al Jadida.
- Fakhr Razi, mohammad ibn Omar (1999 AD). Tafsir al Kabir. Vol. 6, 7, 29, 3<sup>rd</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fara, Yahya ibn Ziyad (1980 AD). Maani Al-Quran. Vol. 3, 2<sup>nd</sup> edition. Cairo: Egypt public center for publication.
- Feiz Kashani, Mohammad ibn Shah Morteza (1994 AD). Tafsir al Safi. Vol. 4, 2<sup>nd</sup> edition. Tehran: Maktab al Sadr.
- Fayumi, Ahmad ibn Mohammad (1993 AD). al-Mesbah al-Monir fi gharib al-Sharh al-Kabir le al-Raeefi. Vol. 1, 2<sup>nd</sup> edition. Qom: Dar al Hejrah center.
- Qortabi, mohammad ibnn Ahmad (1986 AD). Al Jam'e Al Ahkam Al Quran. Vol. 17, 1<sup>st</sup> edition. Tehran: Naser Khosrow.
- Qomi Mashhadi, Mohammad ibn Mohammad Reza (1989 AD). Tafsir Kanz al-daqa'iq wa-baḥr al-gharā'ib. vol. 1, 12, 1<sup>st</sup> edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Majlesi, mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi. Bihar al anwar. Vol. 8, 75, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Maraghi, Ahmad Mostafa. Tafsir Al Maraghi. Vol.5, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al Fekr.
- Maghatel ibn Soleiman. Tafsir Maghatel ibn soleiman (2002 AD). Vol. 4, 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Mosavi Sabzevari, Abdolala (1988 AD). Mawahib al-Rahman fi Usul al-Tafsir wa Ulum al-Qur'an. Vol. 1, 5, 2<sup>nd</sup> edition. Office of ayatollah Sabzevari.
- Ali ibn Ahmad (1982 AD). Tafsir Al Quran al Musama Tabsir Al Rahman wa Taysir al mannan. Vol. 1, 2, 2<sup>nd</sup> edition. Beirut: Alam al kotob.
- Nazam al araj, hassan ibn mohammad (1995 AD). tafseer-gharaib-il-quran-w-raghaib-ul-furqan. Vol. 6,1<sup>st</sup> edition. Beirut: Dar al- Kotob al-ilmiyah. Manshorat Muhammad 'Ali Beizon.
- Nahavandi, mohammad (2007 AD). Nafahat al Rahman fi Tafsir Al Quran. Vol. 1, 1<sup>st</sup> edition. Qom: publication center.
- Yazidi, Abdollah ibn Yahya (1984 AD). Gharib al Quran wa tafsire. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: alam alkotob.